

ارسال: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

10.22034/nf.2024.196537

## برگردان فارسی مقدمه دادستان دینی

مریم رضایی\* (پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران)

چکیده: دادستان دینی نام کتابی به زبان پهلوی، شامل مقدمه و ۹۲ پرسش و پاسخ است. مقدمه کتاب با حمد و سپاس دادار اورمزد و همه ایزدان و آفریدگان نیک آغاز می‌شود. سپس منوچهر، نویسنده کتاب، به تقدیر مؤمنان زردشتی می‌پردازد و با فروتنی آزردهی خود را به سبب القاب و صفاتی که در مدح او به کار برده‌اند بازگو می‌کند. او با اشاره به فرصت اندک برای پاسخ‌گویی، به بیان دیدگاه‌های خود در برابر احکام و اقوال مختلف دینی می‌پردازد. مقدمه با دعای خیر منوچهر پایان می‌یابد. نثر مقدمه دادستان دینی همچون متن کتاب بسیار پیچیده و خوانش آن دشوار است. سال‌ها پس از ترجمه وست (۱۸۸۲)، کرینبروک در ۱۹۹۵، مقدمه دادستان دینی را، براساس متن مُصَحَّح تهمورث دینشاه انکلساریا، بررسی و به انگلیسی ترجمه کرد. در مقاله پیش رو، با نگاهی به کارهای پیشین، براساس همان متن مُصَحَّح انکلساریا، آوانویسی و ترجمه‌ای به فارسی ارائه شده و اختلاف قرائت‌ها، ترجمه‌ها و یادداشت‌های دیگر در پانویس درج شده‌است. در پایان مقاله، گزیده‌ای از واژه‌ها همراه با برگردان فارسی فهرست شده‌است.

کلیدواژه‌ها: دادستان دینی، مقدمه دادستان دینی، پرسش‌نامه، منوچهر.

### ۱. مقدمه

دادستان دینی<sup>۱</sup> «مجموعه آرای دینی» نام کتابی به زبان پهلوی است که شامل مقدمه و ۹۲ پرسش مهر

\* maryamrezaei5456@gmail.com

۱. پهلوی: Dādestān ī dēnīg.

خورشید پسر آذرماه و بهدینان، که از منوچهر پسر جوان جم پرسیده‌اند و پاسخ منوچهر به هر یک از پرسش‌هاست (Anklesaria, p. 1; Shaki, vol. 6, p. 550). این پرسش‌ها به صورت مکتوب برای منوچهر فرستاده شده و او در فرصتی مناسب به آن‌ها پاسخ داده است (مقدمه دادستان دینی، بند ۱۵). دادستان دینی عنوانی است متأخر که در سنت به این اثر داده شده است و نویسنده در مقدمه با نام «پرسش‌نامه» از آن یاد می‌کند (نک: بند ۳).

منوچهر نویسنده دادستان دینی، پسر جوان جم، از نوادگان شاپور، از خانواده‌ای روحانی بود. سلسله نسب او به آذر فرنیخ فرخزادان بازمی‌گردد که در دربار مأمون (حک: ۸۱۳-۸۳۳م) در مناظره‌هایی به دفاع از دین مزدیسنی پرداخت. پس از او پسرش زردشت، سمت پدر را به‌عنوان موبد بزرگ بهدینان ایران عهده‌دار شد و او نیز این سمت را به پسرش، بهرامشاد، واگذار کرد که فتوی‌های حقوقی او در مادیان هزار دادستان آمده است. پس از بهرامشاد، جوان جم عهده‌دار این سمت شد (تفضلی، ص ۱۴۵؛ Boyce, p. 153; Macuch, p. 141). جوان جم چهار پسر داشت که از میان آنها، منوچهر نویسنده دو کتاب دادستان دینی و نامه‌ها برای ما شناخته شده است. انتصاب او به جانشینی پدر، حاکی از آن است که او پسر بزرگ‌تر بوده و در اواخر عمر پدر از تجربیات او بهره جسته است (نامه اول، فصل ۳، بند ۲؛ Boyce, p. 153; West, p. 104). زمان زندگی منوچهر، بنابر نامه سوم او، ۲۵۰ یزدگردی (۸۸۱م) است (نک: بند ۲۱). تاریخ دقیق نگارش دادستان معلوم نیست، اما براساس تاریخ آخرین نامه منوچهر احتمالاً پیش از سال ۸۸۱ میلادی نوشته شده است (Kanga, p. 194).

منوچهر در دادستان دینی و نیز در نامه‌ها، از خود با عنوان پیشوا (فارسی میانه: pēšōbāy)، رد (فارسی میانه: rad) به معنی «رئیس مذهبی» و «فرماندار» (فارسی میانه: framādār) یاد کرده است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد عنوان اخیر، رئیس روحانیان سراسر کشور بوده است (ibid, p. 189). او همچنین پیشوایی مذهبی زردشتیان فارس و کرمان را نیز برعهده داشته است (نامه ۲، فصل ۹، بند ۱۲؛ آغاز نامه ۳). دادستان دینی به سبب دربرداشتن مباحث دشوار فلسفی، الهیات و نیز آئین‌های دین زردشتی، و از سوی دیگر به دلیل نثر پیچیده نویسنده و استفاده از لغات و ترکیبات دشوار و جملات بلند، از جمله متونی است که کمتر بدان پرداخته شده است.

از ویژگی‌های متن می‌توان به کاربرد حرف اضافه «را» متأثر از زبان فارسی نو اشاره کرد. در ادامه چند مورد ذکر می‌شود (نیز نک: میرفخرایی، ص ۲۰)

۱. دادستان دینی، خاتمه کتاب، بند ۱۳ (ترجمه وست)؛ پرسش ۴۵ بند ۵ (ترجمه وست)؛ نامه دوم منوچهر (فصل ۹، بند ۱۲).

ud stāyišn ī-tān man **rāy** wēš az sāmān meh-pāyag framūd nibištān (6).

و ستایش شما من را (= و ستایش شما از من) [که] بی اندازه و بزرگوارانه نگاشتید.

man **rāy** pad kišwar dastwarīh ud ēkih ī bē dudīgarīh ud tāgīh jūdīh az ham-sāmān framūd nibištān (10).

من را در کشور به دستوری و یگانگی، یکتایی و بی رقیبی در میان همتایان خواندید.

man xwēš **rāy** nē ābrōyīg dārēm (11).

من خود را آبرومند نمی دانم (= آبروی خود را از دست رفته می دانم).

استفاده از لغات عالمانه گاهی به وضوح و روشنی مطالب و مفاهیم متن آسیب می رساند و گاهی نیز از دستور درست و معیار زبان پهلوی دور می شود. همچون کاربرد نادرست حرف اضافه **rāy** همراه با فعل مجهول (همانجا):

agar ēdōn čim **rāy** bowandag ayāb wizir **rāy** rōšn nē wēnīhēd (22).

اگر دلیلی به طور کامل یا حکمی به روشنی درک نشود.

از ویژگی های دیگر مقدمه این متن که خاص شیوه نویسنده روحانیان بلندمرتبه است، کاربرد فعل framūdan + مصدر است که در عبارت framūd nibištān در بندهای ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۰ و ۱۷ به کار رفته است.

## ۲. پیشینه تحقیق

نخستین بار وست براساس نسخه وسترگارد (دستنویس K35) متن دادستان دینی را به انگلیسی ترجمه و در ۱۸۸۲ منتشر کرد. پیش از آن، ترجمه گجراتی متن به قلم باروچا و تهمورث دینشاه انکلساریا در تاریخی که دانسته نیست، انجام شد و پس از مرگ مترجمان، در ۱۹۲۶ به چاپ رسید. کانگا پشوتن انکلساریا، بهرام گور تهمورث انکلساریا، بیلی، ماریان موله، زنو و منصور شکی برخی از پرسش ها و بخش های کوتاهی از متن را تحقیق و ترجمه کردند که در قالب مقاله یا در کتب آنها منتشر شده است. محمود جعفری دهقی، مقدمه و پرسش های ۱-۴۰ متن دادستان دینی را به انگلیسی ترجمه و همراه با حرف نویسی، یادداشت ها و واژه نامه در ۱۹۹۸ منتشر کرد. مهشید میرفخرایی پرسش های ۵، ۶ و ۲۳ و پرسش های ۴۱-۹۲ را به فارسی برگرداند و همراه با آوانویسی و یادداشت ها به چاپ رساند (برای آگاهی بیشتر نک: تفصیلی، ص ۱۵۰-۱۵۲، میرفخرایی، ص ۱۳؛ 23-28). (Jaafari-Dehaghi, p. 23-28).

نثر مقدمه دادستان دینی، همانند متن آن بسیار پیچیده و خوانش آن دشوار است. سال ها پس از

ترجمه وست (۱۸۸۲)، فیلیپ کرینبروک<sup>۱</sup> مقدمه آن را به انگلیسی ترجمه و منتشر کرد. متنی که کرینبروک در ترجمه مقدمه دادستان دینی بهره گرفته است، متن مُصَحَّح تهمورث دینشاه انکلساریاست (براساس TD, BK, K35, J1, J2, H, DF) که پسرش بهرام گور تهمورث انکلساریا پس از مرگ پدر در بمبئی به چاپ رساند. کرینبروک در پژوهش خود برخی قرائت‌ها را تصحیح و قرائت نسخه‌بدل‌ها را در پانویس ذکر کرده است.

مقدمه دادستان دینی با حمد و سپاس دادار اورمزد و همه ایزدان و آفریدگان نیک آغاز می‌شود. آنگاه منوچهر به تقدیر از مؤمنان زردشتی می‌پردازد و از لطف آنان به جهت طرح پرسش‌ها و مدح وی سپاسگزاری می‌کند. سپس نسبت به مؤمنان زردشتی که او را برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایشان برگزیده‌اند، اظهار فروتنی کرده و آزرده‌گی خود را به خاطر القاب و صفاتی که در مدحش به‌کار برده‌اند، بازگو می‌کند. در ادامه، منوچهر پس از اشاره به فرصت اندکش برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، روش خود را در پاسخ‌گویی شرح می‌دهد و به بیان دیدگاه‌های خود در برابر احکام و اقوال مختلف دینی می‌پردازد. سپس به دفاع از خلل‌ناپذیری احکام دین پرداخته است و کم‌آگاهی را دلیلی بر عدم استدراک تعالیم دین می‌داند. پس از آن تصریح می‌کند که مؤمنان زردشتی از چه طریقی می‌توانند از آگاهی دینی برخوردار شوند. مقدمه با دعای خیر منوچهر برای بهدینان پایان می‌یابد.

ترجمه حاضر با نگاهی به کارهای پیشین و براساس متن مُصَحَّح انکلساریا انجام شده و خوانش‌های دیگر همراه با یادداشت‌ها در پانویس درج شده است. همچنین، گزیده‌ای از لغات و اصطلاحات متن در پایان مقاله پیوست شده است. در ادامه به آوانویسی و برگردان فارسی مقدمه دادستان دینی که نخستین برگردان متن مذکور به فارسی است، می‌پردازیم.<sup>۲</sup>

#### Dādistān ī Dēnīg

pursišnīhā čand dar ī Mihr-xwaršēd Ādur-māhān az anōšag ruwān Manūš-čīhr jūwān<sup>3</sup>-jamān kard abāriḡ hu-dēnān u-š passox [ī] \*gōwizārēnīd<sup>4</sup>.

درباره پرسش‌هایی چند که مهر خورشید آذرماهان (= مهر خورشید پسر آذرماه) و دیگر بهدینان از

1. Ph. G. Kreyenbroek

۲. نشانه‌های به‌کاررفته در آوانویسی و ترجمه فارسی: [ ] اگر واژه‌ای افزوده شده؛ < > اگر واژه‌ای زائد به نظر رسیده است.

3. gōšn «نَر، مذکر» (Kreyenbroek, p. 174).

4. متن: TD: gwc'lynyt' ← BK: wgw'lynyt' ← gwwe'lynyt'. جعفری دهقی این واژه را wizārēnīd آوانویسی کرده است (Jaafari-Dehaghi, p. 30).

انوشه‌روان منوچهر جوان جمان (= منوچهر پسر جوان جم) کردند و پاسخ‌هایی که او به تفصیل بیان کرد (کرده‌است).

0- pad nām ud nērōg ud ayārīh<sup>1</sup> ī dādār Ohrmazd [ud] wispān yazdān, hamāg yazdān [ī] mēnōgān [ud] yazdān [ī] gētīgān, hamāg dām ud dahišn [ī] Ohrmazd ō dahišn<sup>2</sup> [ī] xwēš \*wāspuhragānīg<sup>3</sup> \*wāspuhrēnīd<sup>4</sup>.

به نام و نیرو و یاری دادار اورمزد و همه ایزدان؛ همه ایزدان [جهان] مینوی و ایزدان [جهان] مادی؛ همه آفریدگانی که اورمزد به‌ویژه به‌عنوان خدمتگزاران آفرینش خویش گماشت (گماشته‌است).<sup>۵</sup>

1- hu-dēnān ī ēd pursidārān az stāyišnīg nērōg ī čīhr ud \*zōr<sup>6</sup> ī gōhr <ud> [ī] daxšag ī xrad ud nišān ī hunar az-iz<sup>7</sup> xrad-xwāyišnih [ud] kirbag-uskārišnih<sup>8</sup> ud dēnīg-wizōyišnihā pursišn paydāg.

بهدینان یعنی این پُرسندگان به‌سبب نیروی قابل ستایش نهاد و توان ذات [شان که] نشانه خرد و هنر<sup>۹</sup> [شان] است و نیز به‌سبب خرددوستی [و] ثواب‌اندیشی و دین‌پژوهی، [این] پرسش‌ها [برایشان] پیش آمده‌است (این ویژگی‌ها از پرسش‌هایشان آشکار است).

2- az Manūš-čīhr ī juwān-jamān āfrīn.

از منوچهر جوان جمان [برآنان] آفرین [باد].

3- passox ēd kū čē-tān purr-dōšāramihā ud wuzurg-abardomihā andar ēd pursišnīg-nāmag ō man āfrīnēnīd, čand-tān āfrīnēnīd čiyōn-tān āfrīnēnīd, purr-paymānihā bowandag abzōn-padēxihā ō-z ašmā hammiš ham-paywandān jud-jud pad xwēš niyābag ud spurr<sup>10</sup> rasād ud \*dēr<sup>11</sup> pattāyād ō nek-frazāmih paywandihād.

پاسخ اینکه آن‌گونه که شما با الطاف فراوان و بزرگوارانیه در این پرسش‌نامه مرا ستودید، به همان

1. hayyārīh «یاری، کمک» (Kreyenbroek, p. 172).

2. d'šn' TD.

3. متن: wspwhlyk'nyk :BK ؛wspwlk'nyk.

4. متن: 'wspwlwndynyt' ؛جعفری دهقی: spurrēnīd «کامل کرد» (Jaafari-Dehaghi, p. 30).

5. کریبروک: «... و همه آفریننده‌ها و آفرینش‌هایی که دادار اورمزد به خدمت آفرینش خویش گماشته‌است» (Kreyenbroek, p. 174).

6. متن: wzwly :TD, BK ؛zwhly.

7. kē-z. (Jaafari-Dehaghi, p. 30).

8. دست‌نویس‌های دیگر: 'wsk'lsnyh'.

9. به معنی قابلیت، فضیلت.

10. متن: wswpl :BK, K35 ؛spwl :BK. میرفخرایی: uspurr (ص ۱۸)، کریبروک: spur (Kreyenbroek, p. 172)، جعفری

دهقی: spur (Jaafari-Dehaghi, p. 30).

11. متن: sl ؛میرفخرایی (ص ۱۸)، جعفری دهقی (Jaafari-Dehaghi, p. 30)، کریبروک (Kreyenbroek, p. 172): dagr.

اندازه که ستودید و به همان‌گونه که ستودید، به کمال و با نیک‌بختی روزافزون بر تک‌تک شما هم‌پیوندان، متناسب با شایستگی خویش و کامل برساد و دیر بپایاد و به نیک‌فرجامی پیوسته باد.

4- ān ī-tān framūd nibištān abar \*ayāsišn<sup>1</sup> ī ō ham-wēnišnīh ud ham-pursagīh<sup>2</sup> ī man, mihrbānagīh ud dēn-dōstīh xwad.

آنچه شما درباره یادآوری دیدار و گفتگوتان با من نگاشتید<sup>۳</sup> در واقع مهربانی<sup>۴</sup> و دین‌دوستی [شما را نشان می‌دهد].

5- amāh hammis kē yazdān-bandag pad kōxšīšn [ī] Druz, ham-spāh, pad \*āstawānīh<sup>5</sup> ī abar wehdēn māzdēsān ham-ēstišn<sup>6</sup>, pad ēk ān ī ahlāyīh rāh < ī > ham-tuxšīšn, ō ān<sup>7</sup> gāh ī andar ān ī pāšom axwān ham-ārzūg, pad hāzišn ī ō ān ī pāšom axwān fraš(a)gird ham-ēmēd hēm, ān-mān kām ī ham-wēnišnīh ham-pursagīh čimīg u-š \*sāl<sup>8</sup>, ān-iz ī dēn nigēzēd kū kē abāg ōy ī dānāg ud ahlaw pad ham-wēnišnīh ham-pursagīh nazdik, ēg-iš kirbag ī was<sup>9</sup> waxšīšnīg-tar ud ān ī meh pattāyīšnīgtar.

همه ما که بندگان یزدانیم، در نبرد با [دیو] دروغ، هم‌سپاه هستیم (= در یک جبهه قرار داریم)؛ در ایمان به دین بهی مزدیسنا استواریم؛ در پیمودن یگانه راه رستگاری کوشاییم؛ برای [دستیابی به] آن جایگاه که در بهترین هستی (= بهشت) [است] هم‌آرزویم؛ برای رسیدن به بهترین هستی (= بهشت) و [انجام] فرشگرد امیدواریم؛ کاممان آن است که دیدار و گفتگویمان هدفمند و زمانش (؟) [معلوم باشد]<sup>۱</sup>؛ [چنان‌که] دین نیز بیان می‌کند کسی که با [مرد] دانا و پرهیزگار در دیدار و گفتگو نزدیک باشد، پس ثوابش بسیار افزون‌تر و پاینده‌تر است.

6- ud stāyīšn ī-tān man rāy wēš az sāmān meh-pāyag framūd nibištān, čim ī mādayān purr-dōstīh [ud] nigerišn ī pad hu-čašmīh, u-m pad-iš rāh ī ō spāsdārih.

1. متن: 'byd' dšn'.

2. جعفری دهقی (Jaafari-Dehaghi, p. 30): ham-pursišnīh: BK: h' mpwrsyh.

3. لفظاً به معنای «فرمان نوشتن دادید».

4. کریبروک این واژه را «مهر» و عبارت را «در جستجوی حمایت ایزد مهر بودن» معنا کرده‌است (Kreyenbroek, p. 174).

5. متن: 'stb' nyh: TD؛ 'wstw' nyh.

6. متن: 'hmyst' šn: TD؛ 'hmz' kpšn'.

7. کریبروک این واژه را نیاورده‌است.

8. متن: 'šntn'.

9. متن: KBD «بس، بسیار، زیاد»، جعفری دهقی: was «بسیار، زیاد» (Jaafari-Dehaghi, p. 30)، کریبروک: /ahy/ KZY.

«اولین، نخستین» و معنای عبارت: «... و برای او نخستین و بیشترین ثواب خواهد بود...» (Kreyenbroek, p. 172).

10. کریبروک: «... و [به مدت] یک سال [طول بکشد]» (Kreyenbroek, p. 174). در متن صورت 'šntn' آمده‌است که احتمالاً نگارش نادرستی است از هزوارش /šāl / ŠNT «سال». همچنین ممکن است نگارش غلطی باشد به جای هزوارش YHWWNyt /bawēd/ «بُود، باشد». در این صورت جمله این چنین خوانده می‌شود:

ud az-iš bawēd ān-iz ī dēn nigēzēd.

«و بدان سبب است که دین نیز بیان می‌کند که...».

و ستایش شما از من [که] بی اندازه و بزرگوارانۀ نگاشتید<sup>۱</sup>، دلیل اصلی [بر] پُر دوستی (= لطف فراوان) [و] نگرش نیک [شماست] و من بدان سبب سپاسگزارم.

7- ān ī-tān pad dānistan [ud] šnāxtan rāh bē man enyā ō any kas nē būdan framūd nibiṣtan az ašmā dōšāramih ō rōn ī hu-čašmihā<sup>۲</sup>. bē mādagwarih ud rāstih rāy čimig nigerišn dādihā-tar ō-z abāriḡ mēnōg-mardān<sup>۳</sup> pad hunar ī-šān bowandag-mēnidārihā-tar sazēd nibiṣtan.

آنچه برای دانستن و شناختن نگاشتید، به کس دیگری به جز من دسترسی نداشتید، [نشانه] محبت شماست و از روی نیک نظری [نوشته شده است]. اما در مورد بزرگی و راستی [افراد] باید منطقی نگریم، شایسته تر [آن است که] به دیگر روحانیان با تقوا که کامل اندیش تر<sup>۴</sup> هستند نیز [نامه] بنویسید.

8- čē abāḡ-iz škeft-kōxšidārīh ī Druz ud garān wišōbišn ud zūrih ī ō dēnīgān mad ēstēd pas-iz pad yazdān xwābarih nūn-iz radān mowbedān dastwarān dādwarān<sup>۵</sup> ud abāriḡ-iz dēnīgān dēnigbedān kustag-kustag ud any-z hērbēdān ud mēnōg-mardān ī ošmurd-mānsar ī dranjēnid-zand uskārd-dādestān ī āgāh dēn ī nimūdār čim ī wizidār kirbag pad čand gyāḡ hēnd kē pad-iz ōwōn dādestān šnāxtan dānistan rāh \*awēšān<sup>۶</sup> wišādāg.

زیرا با وجود بسیار ستیزی دروغ و آشفتگی فراوان و بدرفتاری نسبت به مؤمنان، به لطف یزدان، اکنون نیز زدان، موبدان، دستوران، داوران و دیگر مؤمنان و دینداران در همه جا [هستند]؛ و نیز دیگر هیربدان و روحانیان مفسر کلام مقدس، زندآگاه، مجتهد در احکام دینی، آگاه [به امور] دین، مفسر علّت‌ها و خواهان ثواب، در چند جا هستند که برای شناختن و دانستن چنین قوانینی راه به سوی ایشان گشاده است.<sup>۷</sup>

9- ān ī-tān kāmag abāyīdan xwaš-menišnih az ān ī man abar būd<sup>۸</sup> framūd nibiṣtan ham nišān ī dōstih ud hu-čašmih.u-tān az yazdān ham-paymān dōstih [ud] hu-čašmih awiš bawēd.

۱. میرفخرایی: «و ستایش بیش از حد شما من را...» (ص ۲۰).  
۲. متن: 'hwčšmyh:K35 .BK .TD :hwčšmyh'; کرینبروک: hu-čašmih (Kreyenbroek, p. 172); جعفری دهقی:  
(Jaafari-Dehaghi, p. 32) hu-čašmih.  
۳. متن: 'mynwk GBRA-n: mōg-mard'; کرینبروک: mōg-mard («موبد») (Kreyenbroek, p. 172); جعفری دهقی: mowmardān (Jaafari-Dehaghi, p. 32).  
۴. این واژه در متن به صورت قید «کامل اندیشانه» آمده است.  
۵. کرینبروک این واژه را از قلم انداخته است (Kreyenbroek, p. 172).  
۶. متن: 'wbš š'n'.  
۷. در دسترس است.  
۸. کرینبروک: būdan (Kreyenbroek, p. 173).

اینکه اراده، خواسته و نیک‌اندیشی شما بر من تعلق گرفت، [همان‌طور که] نگاشتید، نشان دوستی و نیک‌نظری [شماست]. بر شما از یزدان به همان اندازه دوستی [و] نیک‌نظری بود<sup>۱</sup>.

10- ān ī-tān andar wēš-dōstīh stāyīdārīh-frāy<sup>2</sup>-būdīhā man rāy pad kišwar dastwarīh ud ēkīh ī bē<sup>3</sup> dudīgarīh ud tāgīh \*judīh az<sup>4</sup> ham-sāmān framūd nibīštan, agar ōh-iz ašmā dōstīh rāy nibīšt pas-iz man dušxwār \*sahēd<sup>5</sup> az ēd \*ōwōn<sup>6</sup> stāyīšn.

اینکه شما به سبب دوستی فراوان و زیاده‌روی در ستایش، مرا در کشور به دستوری<sup>۷</sup> و یگانگی، یکتایی و بی‌رقیبی، در میان همتایان خواندید، اگر [چه] شما از روی دوستی چنین نگاشتید، ولی مرا از چنین مدحی دشواری آید.

11- agar andar ēn zamānag ud šahrān \*ī-mān<sup>8</sup> šnāxtag ud āšnāg, abar kas \*ast<sup>9</sup> [ī] pad ōy ī dēr-wurrōyīšnih dēn pēšōbāy frāzag man xwēš<sup>10</sup> rāy nē ābrōyīg<sup>11</sup> dārēm, ka ān stāyīšn ī “sālār-mān ēwāzig niyābag” abar man srawāgīhēd ud nē-z rāmīšnīg bawēm ka-m meh az xwēš sālār nāmēnēnd. čē-m stāyīšn ān kāmag ī pad xwēš pāyag ud ...?<sup>12</sup> wimand. u-m ābrōyīg sahēd ērīh ī andar xwēš abarīg ud hāwand [ud] mehīh abar kehān.

اگر در این زمانه و در شهرهایی که بر ما شناخته و آشناست، شخص برتری هست که به سبب ایمان راسخش، پیشوای مذهبی بلند مرتبه‌ای [گردیده]، من خود را آبرومند (= دارای اعتبار، معتبر، مستحق) نمی‌دانم آنگاه که در مدح من گفته شود «یگانه سالار شایسته ما»؛ و شادمان نخواهم بود آنگاه که مرا [آنان که] مهتر از من‌اند، سالار نامند<sup>۱۳</sup>. زیرا برای من آن ستایش آرزوست که متناسب با

۱. در متن: bawēd.

۲. کرینبروک و جعفری دهقی این واژه را frēh خوانده‌اند (Kreyenbroek, p. 173; Jaafari-Dehaghi, p.32).

۳. کرینبروک این واژه را abē «بدون» خوانده‌است (ibidem).

۴. در متن: yw<sup>3</sup>tyh ME.

۵. متن: MDMEN'-st':DF;MDMEN'-yt':MDMEN'. جعفری دهقی این واژه را sahist آوانویسی کرده‌است (Jaafari-Dehaghi, p. 32).

۶. متن: wgw<sup>3</sup>.

۷. میرفخرایی (ص ۲۰): «دستوری من را در کشور...».

۸. متن: štr' n-z-m'n.

۹. متن: t' به جای YT.

۱۰. (Kreyenbroek, p. 173) xwēš-tan.

۱۱. متن: plw'yk<sup>3</sup>، کرینبروک: ābrōyīg (ibidem).

۱۲. همه نسخه‌ها: t'yk؛ انکلساریا خوانش t'kyh را پیشنهاد می‌کند. میرفخرایی (ص ۱۷) و جعفری دهقی (Jaafari-Dehaghi, p. 32) این واژه را tāyag wimand «حد قابلیت» خوانده‌اند.

۱۳. میرفخرایی (ص ۱۷) و جعفری دهقی (Jaafari-Dehaghi, p.33) این عبارت را این چنین معنا کرده‌اند: «و شادمان نیستم زمانی که آنان (= مردم) مرا بزرگتر از سالار خود می‌نامند...».



مقام و....<sup>۱</sup> درخور آمن باشد. در چشم من [کسی] آبرومند است که فروتنی در برابر بزرگان و هممتایان و بزرگی در برابر فرودستان [کند].

12- ān ī-tān wistāxihā wistāxgarihā abar drāz nibištān ī pūrsišn<sup>۳</sup> ēn-iz nimūd kū pāsox<sup>۴</sup> pad hangām nibēsēm ī-m andar pardazišn bawēd. ān ī ašmā pad hu-čīhr-pūrsišnih wistāxih čimīg. man abar gōkānīg-passoxih spōz-az-gāhīh kām-taftīg. čē spōz ayāb a-bowandagihā-pāsoxih \*a-niyābag ast<sup>۵</sup>. az ān ī škeft-kōxšīnih ī Druz rāy awištāb \*wizōyišnīg<sup>۶</sup>-menišnih az ān ī a-wizirišnīg frēzwānīg kār kam pardazišnih ast.

اینکه شما با تأکید و اطمینان پرسش‌ها را به طور مفصل [نگاشتید]، نشان می‌دهد که پاسخ‌ها را هنگامی باید بنویسم که در آن مجال برای من باشد. دلیل تأکید شما آن است که پرسش‌هایی شایسته [مطرح کرده‌اید و] منطقی است. من در پاسخ مفصل [دادن] و عدم تأخیر<sup>۷</sup> [در پاسخ] اشتیاق بسیار<sup>۸</sup> [دارم]. زیرا تأخیر [در کار] یا پاسخ ناقص [دادن]، شایسته نیست. از بسیار ستیزی [دیو] دروغ، شتاب [حاصل می‌شود] و برای [داشتن] اندیشه پژوهشگر<sup>۹</sup> به سبب کارهای اجتناب‌ناپذیر و واجب، مجال کمی دارم.

13- abar pāsox hangām ī<sup>۱۰</sup> pardazišn ī-mān zamān dād ī-tān andar nāmag paydāgēnīd jūd-iz az hu-čašmīh ī dōstihā <ud> nišān ī \*āgāhīh<sup>۱۱</sup> ī-tān az ān ī man kam pardazišnih az-iš paydāg.

درباره زمان پاسخ‌گویی، یعنی مجال که زمان به ما داد [چنان] که در نامه‌تان [بدان] اشاره نمودید - جدای از نظر لطف دوستانه [شما]، نشان از آگاهی‌تان از زمان کم من است.

14- u-m ēn-iz wistāxih ast kū-tān pūrsišn dēnīg-wurrōyišnihā dēnīg-wizīr-abāyišnīgihā

۱. همه نسخه‌ها: t'ky: انکلساریا خوانش t'kyh را پیشنهاد می‌کند. میرفخرایی (ص ۱۷) و جعفری دهقی (Jaafari-Dehaghi, p. 32) این واژه را tāyag wimand «حد قابلیت» خوانده‌اند.

۲. در متن wimand «حد، مرز، اندازه؛ قابلیت، شایستگی». کرینبروک این واژه را به معنای «حد و مرز» آورده و عبارت را این گونه معنا کرده‌است: «مطابق توانایی و محدودیت‌های من» (Kreyenbroek, p. 175).

۳. کرینبروک در اینجا عبارت framūd nibištān را اضافه کرده‌است (ibid, p.173): نیز نک: (Jaafari-Dehaghi, p.34).

۴. passox (Kreyenbroek, p.173).

۵. متن: 'ny'pg-'yt.

۶. متن: wcyšnyk.

۷. در متن: spōz-az-gāhīh «تأخیر در زمان».

۸. در متن: taftīg «گرم، سوزان».

۹. در متن: wizōyišnīg-menišnih «اندیشه همراه با پژوهش، اندیشه دقیق».

۱۰. کرینبروک این واژه را ud خوانده و عبارت را این گونه معنا کرده‌است: «در رابطه با زمان پاسخ‌گویی و مجال که زمان به ما می‌دهد...» (Kreyenbroek, p.175).

۱۱. در متن: 'k'syh'.

nibišt. andar pāsox<sup>1</sup> čim-paydāgih az dēn was ō<sup>2</sup> nimāyišn ī pad dānāgih \*hu-ēwāz<sup>3</sup> ud az har ēwēnag abar xwāyišnih abē-bīm.

و من نیز مطمئن هستم که پرسش‌هایتان از روی اعتقاد دینی و لزوم [دانستن] احکام دینی نوشته شده‌است. در پاسخ [به پرسش‌ها] شواهد بسیاری از دین که خردمندانه و شیواست، آورده شده‌است، به‌گونه‌ای که از هرگونه خواهش جای نگرانی نباشد [به‌گونه‌ای که نیازتان به آگاهی از پاسخ پرسش‌هایتان مرتفع خواهد شد].

15- ud ham nāmag andar mäh Tīr pad \*dawr? ōwōn mad ka xwāstārīh ī az šāhīgān pad sē-sālag bahr ī \*sālag-ē<sup>4</sup> hu-dēnān must frāx āsānīh ī pad-iš \*a-wizīrīšnig<sup>5</sup> ud čāraggārīh ī-m čand ādūgīh abar ān must spōzišnih frēzwānig-tar ud čār ī abar bōxtārīh ud frayādišn<sup>6</sup> ī hāwištān čand wihān ī handāxt ēstād rāy-im ō xūbihā nigerīdan ī ham-pursišn nē ayāft tā mäh Šahrevar ka ō Šīrāz mad hēm. u-m hangām-hangām andak ī pardazišn būd u-m ham-pursišn nigerīd.

و این نامه در ماه تیر، زمانی<sup>۷</sup> [به دستم] رسید که مأموران حکومتی<sup>۸</sup> (مالیات بگیران)، مقدار مالیات سه‌ساله را در یک سال می‌خواستند. شکایت به‌دینان بسیار [بود]. به‌این علت، آرامش [دادن به آن‌ها] ناگزیر؛ و واجب‌تر [آن بود که] توانایی‌ام را [به‌کار گیرم] تا آن رنج و اندوه [به‌دینان] را چاره‌اندیشی کنم؛ و به خاطر نجات و یآوری «هاوشتانی»<sup>۹</sup> که بهانه‌جویی کرده بودند (گمراه شده بودند)، [فرستی] نیافتم تا به‌خوبی به این پرسش‌ها بنگرم تا ماه شهریور که به شیراز آمدم و هرگاه مرا اندک مجالی دست داد و بر این پرسش‌ها نگریستم.

16- ka-m ham jādagihā nibēsišnih dīd \*ēg-am<sup>10</sup> pursišn dar-darjudāg ud daxšagihā-tar

1. (Kreyenbroek, p. 173) passox.

2. (ibidem). ōh.

3. در متن: 'hw'y'c. جعفری دهقی این واژه را a-niyāz «بی‌نیاز» خوانده و عبارت را این‌گونه معنا کرده‌است: «... و هیچ نیازی به دانش [دینی] و هیچ نگرانی‌ای برای درخواست‌های بیشتر نیست.» (Jaafari-Dehaghi, p.34).

4. متن: s'lk' y:DF,TD:slk'y

5. همه نسخه‌ها: 'wcyłšnyh:TD:'wcyłšnyk'

6. (Kreyenbroek, p. 173) frayādišnih.

7. در متن: dawr «دوره، عصر، زمان (؟)». به نظر می‌رسد واژه‌ای عربی مربوط به بخشی از گفتار روزمره پارسیان در اواخر قرن نهم است که خاستگاه آن فراموش شده‌است (Kreyenbroek, p. 175).

8. در متن: šāhīgān «آنان که به شاه منسوب‌اند، آنان که از آن شاه هستند» (Kreyenbroek, p. 175). مکنزی این واژه را به معنای «کاخ، قصر» آورده‌است (MacKenzie, p. 79).

9. طلبه علوم دینی زردشتی.

10. متن: AYN'-m:TD:w-AYNW-m:DF:AYNWm (به جای ADYN')

kardan čimīg-tar sahist.

هنگامی که من موارد [مختلف این] نوشته<sup>۱</sup> را دیدم، آنگاه به نظرم منطقی تر رسید که این پرسش‌ها را فصل به فصل جداگانه علامت‌گذاری کنم.

17- <ud> u-m ō dibēr-ē dād. pursišn [ī] pad ham-paččēn ī-tān framūd nibištan dar-dar har pursišn-ē pad dar-ē nibišť ud \*hangirdēnīd.<sup>2</sup>

[آن را برای نوشتن] به دبیری دادم. پرسش‌هایی را که بر آن نسخه نوشته بودید، فصل به فصل [جدا کردم]. هر پرسش را در فصلی نوشتم و [پاسخش را] به تفصیل بیان کردم.

18- čand.\*am<sup>3</sup> az dēn āgāhīh u-m pad ōš-ayādīh<sup>4</sup> <ud> az pēšēnīgān dastwarīh<sup>5</sup> pad xrad sahišn ast pāsox<sup>6</sup> azēr ī pursišn nibišť kāmēm.

پاسخ [هر پرسش را] تا جایی که از دین آگاهی [داشته‌ام] و [آنچه را] از حکم پیشینیان به یاد داشته‌ام [و آنچه را] پسند خرد است، زیر [هر] پرسش نگاشته‌ام.

19- ka čiyōn pursīd<sup>7</sup> čiš andar nēst ān rāy juttar ōwōn sahēm čiyōn nibēsēm.

همان‌طور که پرسیدید، اگر [درباره] چیزی (= مسئله‌ای) اختلاف نظر نباشد، [آن را] آن‌گونه که به نظرم برسد (= می‌پسندم)، می‌نویسم.

20- az ān ī čiyōn ān ī amāh āgāhīhā az ān ī pēšēnīgān dastwarān kē weh, dānāg-tar ud axw ud rad ud dastwar ī amāh būd hēnd \*[ka-z]<sup>8</sup> āgenēn jūd-dādestānīh būd, ān man ka-z wizīr ī abar ham dar ēdōn čiyōn-mān dastwarān zamānag<sup>9</sup> ud dūdag pad mādagwar dāšť nibišť.

از آنجا که آگاهی ما، از احکام پیشینیانی است که بهتر، داناتر، سرور، زد و دستور ما بودند، [هرگاه در باب مسئله‌ای] با یکدیگر اختلاف نظر داشتند، آنگاه من، در آن باب، چنان که دستوران زمان ما و اسلاف ما اتفاق نظر داشتند، نوشته‌ام.

21- pas-iz abar gōwišn ī ān dastwar kē any ēwēnag ast jūd-dādestānīh nēst ud agar ast ī-m

۱. جعفری دهقی برای این واژه معنای «نامه» آورده است (Jaafari-Dehaghi, p. 35).

۲. متن: 'hnglcynyt':BK, k35: hnglwynyt'.

۳. در متن: AP-m.

۴. میرفخرایی این واژه را «هوشیاری، یادآوری» خوانده است (ص ۱۵).

۵. \*dastwarān (Jaafari-Dehaghi, p. 36).

۶. passox (Kreyenbroek, p. 173).

۷. pursēd (Kreyenbroek, p. 173).

۸. کریبروک در اینجا ka-z را اضافه کرده است (Kreyenbroek, p. 173).

۹. zm'n':BK؛ دستنویس‌های دیگر: zym'n'.



\*nihādag<sup>2</sup> ī hu-fraward pēšēnigān ī pēšōbāyān ī meh-pōryōtkēšān.

اکنون نیز - جدا از دانش فطری<sup>۳</sup> - تفسیر درست‌تر مواهب اندیشه نیک، کلام مقدس و آموزه‌های دین که وظیفه دینی بزرگی است، اساساً از دو اصل سرچشمه می‌گیرد: یکی به‌واسطه پیشوایان دینی که [با] خرد ذاتی اصول دین را تفسیر کرده‌اند و دیگری که مهم‌تر است از طریق آثار به جامانده از پیشوایان مرحوم پیشین که نخستین آموزگاران [بودند].

24- az ān [kū]<sup>4</sup> čiyōn ān ī awēšān nibēgān <ī> abar čim-nimāyišnih, zofrih, bāriḡ-saxwanih rāy \*ōh<sup>5</sup>-iz bāriḡ-wēnišnān ud \*dārmag<sup>6</sup>-dānišnān nē hu-dān. pad andak frāz-iz padēxih ī saxwan škeft gumān ī kam<sup>7</sup>-\*āgāhih-šān<sup>8</sup> šāyēd būd.

از این رو نوشته‌های آنان (= پیشینیان) را به‌سبب بیان علت‌ها، عمق [و] ظرافت سخن، حتی باریک‌بینان و دانشمندان [زمانه] نیز به‌درستی در نمی‌یابند. کم‌وبیش فراوانی سخن [دانشمندان زمانه] باوری عظیم بر کم‌دانشی شان تواند بود.<sup>۹</sup>

25-ōwōn abar čim ī ham pursišnihā agar ast ī-tān rōšn-tar paydāḡ ud čimīḡ-tar abāyēd, nazdīk-tar rāh ō rāst nigēzišn ud rōšn nē žud ō wizir ī frazānag pēšōbāy ī dēn. man čand-am dānišn ādūḡih hamē ka pursēd u-m tuwān pāsoxēnēm.

بنابراین اگر راجع به موضوعات [مربوط به پاسخ] این پرسش‌ها [چیزی] هست که [مایلید] برایتان روشن‌تر شود و [دلیل] منطقی‌تر لازم است، نزدیک‌ترین راه برای [دریافت] توضیحی راست و روشن به‌جز [مراجعه] به حکم پیشوای دینی فرزانه، [راهی] نیست. از این رو به اندازه دانش و آگاهی‌ام، هرگاه که برسید و بتوانم، پاسخ می‌دهم.

26- ka wehān gōhrān-ēwēnag \*wistarīd<sup>10</sup> wizirēnīdār wuzurg sūd xwēš: xwēšagān dōstīh ud

1. کرینبروک (ibidem)، جعفری دهقی (Jaafari-Dehaghi, p. 36): mādayān-tar.

2. همه نسخه‌ها: HWHTWNt'ik'.

3. علم لدنی.

4. تصحیح کرینبروک (Kreyenbroek, p. 173).

5. متن: OL.

6. متن: šlmk'.

7. کرینبروک: (ibid, p. 174) kem.

8. متن: 'k'syhsn : 'k'sšn'.

9. میرفخرایی (ص ۹): «از آنجا که این متن‌ها درباره شرح و تفسیر است، به‌سبب ژرفا و ظرافت سخن و نیز به‌دلیل کمبود شرح و بسط مطلب، حتی برای باریک‌بینان و عالمان نیز روشن نیست و این گمان قوی را در مورد فقر آگاهی من برمی‌انگیزد».

10. متن: wstryt': J2 ;wsltyt'.

drōdīh ud ahlāyīh-paymōgīh ud druž-nihānēnīdārīh čē-m ašmā kām kunišn man āgāhēnīdan framāyēd.

[اکنون] که مؤمنان همچون گوهر پراکنده‌اند<sup>۱</sup>، مفسر احکام دینی سودی بزرگ [برای] خویش [به‌دست آورده‌است]: دوستی و دعای خیر خویشان و [آراستگی به] جامه پرهیزگاری و دورداشتن دروغ. هرآنچه کام شماست، مرا آگاهی دهید [تا] انجام دهم.

27- u-tān nōg-nōg-iz āfrīn. ān ī-tān xwad andar nāmag pad bun ud sar-iz nibišt jud-jud pad xwēš niyābag, \*spurrīg<sup>2</sup>, <šāyēd><sup>3</sup>šād, burzišnīg frazāmīhād, abāg \*a-barīd<sup>4</sup> paywastagīhā ī az bun ō frazām ud wēhm-xākān-iz burzišnīg.

هرآینه بر شما آفرین باد! آنچه شما در نامه‌تان در آغاز و در پایان (= سرتاسر) نوشته بودید،<sup>۵</sup> برای تک‌تک شما به شایستگی، به کمال، به شادی و به‌گونه‌ای ستودنی همراه با پیوندی ناگسستی و جاودانی به انجام رسد و [در این] جهان فراخ نیز ستوده [گردد].

28- paččēn ī pursišn čiyōn pāsox, ēd kū ka-š čiš andar nest ān čim rāy juttar ōwōn sahēm čiyōn nibēsihēd.

نسخه پرسش و پاسخ [این است]، هنگامی که چیزی (= مسئله‌ای) در میان نیست، [که] با آن مخالف باشد؛ آن‌گونه که به نظرم درست است، نوشته می‌شود.

## واژه‌نامه

abzōn-padēxīhā (3)	با نیک‌بختی روزافزون
ābrōyīg (11)	آبرومند
āfrīn- (3)	ستایش کردن، ستودن
ahlāyīh-paymōgīh (26)	جامه پرهیزگاری
awištāftag-menišnīh (22)	تشویش ذهنی
a-wizīrišnīg (12)	اجتناب‌ناپذیر
bārīg-saxwanīh (24)	ظرافت سخن
bārīg-wēnišnān (24)	باریک‌بینان

۱. منظور این است که متفرق و پراکنده شده‌اند.

۲. متن: 'spwlyk :BK ;wspwlyk'.

۳. احتمالاً اشتباه کاتب است در نگارش کلمه šād.

۴. TD: 'hblyt'؛ دیگر نسخه‌ها: 'sblyt'.

۵. شاید منظور مدح و دعای خیر به‌دینان است. کرینبروک و جعفری دهقی: «... آنچه شما از آغاز تا پایان نامه‌تان نوشته بودید...» (Kreyenbroek, p. 176; Jaafari-Dehaghi, p. 39).

bē-dudīgarīh (10)	بی‌همتایی
bowandag-mēnīdārīhā (7)	کامل‌اندیشانه
čihrag-dānišn (23)	دانش فطری، علم لدنی
čimīg (5,12,16,25)	هدفمند؛ منطقی
dārmag-dānišnān (24)	دانشمندان
dēnīg-wizōyišnīhā (1)	دین‌پژوهی
dēnīg-wizīr-abāyišnīghā (14)	لزوم [دانستن] احکام دینی
dēnīg-wurrōyišnīhā (14)	از روی اعتقاد دینی
dar - dar (16,17)	فصل به فصل
dawr (15)	دوره، عصر، زمان
dēr-wurrōyišnīh (11)	ایمان‌راسخ
dranjēnīd-zand (8)	زندآگاه
drust-čimīh (22)	براساس منطق
druz-nihānēnīdārīh (26)	دور داشتن دروغ
ēkīh ī bē dudīgarīh (10)	یگانگی
gōkānīg-passoīh (12)	پاسخ مفصل
gōwizārīdan, gōwizār-	به تفصیل بیان کردن
ham-ārzūg (5)	هم‌آرزو
ham-ēmēd (5)	امید یکسان داشتن، هم‌امید
ham-ēstišn (5)	استوار، پابرجا
ham-wēnišnīh (4,5)	دیدار
hangām hangām (15)	هرگاه
hu-čihr-pursišnīh (12)	پرسش‌های شایسته
hu-čašmīh (9)	نیک‌نظری
hu-ēwāz (14)	شیوا
judīh (10)	بی‌رقیبی
kam-pardazišn (12)	مجال کم
kām-taftīg (12)	اشتیاق بسیار
kirbag-uskārišnīh (1)	ثواب‌اندیشی
kustag kustag (8)	همه‌جا
meh-pāyag (6)	بزرگوارانه
mēnōg-mardān (7)	روحانیان
nēk-frazāmīh (3)	نیک‌سرانجامی
nērōg ī čihr (1)	نیروی نهاد
nihādag (23)	[آثار] به جای مانده، میراث
nimūdār čim (8)	مفسر علت‌ها
nōg-nōg (27)	هرآینه

ōš-ayādīh (18)	به یاد داشتن
ōšmurd-mānsar (8)	مفسر کلام مقدس
padēxīh ī saxwan (24)	فراوانی سخن
pargūd-az-ōšīh (22)	بی‌خردی
purr-dōstīh (6)	دوستی زیاد
purr-dōšāramīhā (3)	الطاف فراوان
purr-paymānīhā (3)	به‌کاملی
pursišnīg-nāmag (3)	پرسش‌نامه
rōšnīhā-nimūdārīh (22)	به‌روشنی نشان دادن
spōz-az-gāhīh (12)	عدم تأخیر (در کار)
srawāgīhēd (11)	کلامی که (در مدح کسی) گفته شود
stāyīdārīh-frāy-būdīhā (10)	زیاده‌روی در ستایش
škeft-kōxšīdārīh (8)	بسیارستیزی
uskārd-dādestān (8)	مجتهد در احکام دینی
wāspuhragānīg (0)	به‌عنوان خدمتگزار
wāspuhrēnīdan, wāspuhr- (0)	به خدمت گماشتن
wizīdār kirbag (8)	خواهان ثواب
wizīrēnīdār (26)	مفسر احکام دینی، حکم‌دهنده
wizōyišnīg-menišnīh (12)	آماده‌سازی ذهنی، لفظاً: اندیشه همراه با پژوهش، اندیشه دقیق
wēš-dōstīh (10)	دوستی فراوان
wuzurg-abardomīhā (3)	بزرگوارانه
xrad-xwāhīšnīh (1)	خرددوستی
xwāstārīh ī az šāhīgān (15)	مأموران حکومتی، مالیات‌بگیران
xwaš-menišnīh (9)	نیک‌اندیشی
yazdān xwābarīh (8)	لطف یزدان
zōr ī gōhr (1)	توان ذات

## منابع

تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش زاله آموزگار، سخن، چاپ اول، تهران ۱۳۷۶.  
دست‌نویس ت ۴ الف، روایات پهلوی، دادستان دینیک، نامک‌های منوچهر، گزیده‌های زاتسپریم و جز آن، به کوشش ماهیار نوابی، کیخسرو جاماسپ آسا، گنجینه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی ۵۲، ۱۳۵۵ ش.

میرفخرایی، مهشید، دادستان دینی (پرسش‌های ۴۱-۹۲)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران ۱۳۹۷.



- Anklesaria, T.D., *The Dādistān-I Dēnik*, Part 1, purishn I-XL, fort printing press Bombay 1911.
- Boyce, M., *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices*, Routledge and kegan paul, London 1979.
- Jaafari-Dehaghi, M., *Dādestān ī Dēnīg*, Association pour l'avancement des études Iranniennes, Paris 1998.
- Kanga, Maneck F., "Life and Letters of Manushchihhr Goshnjam", *Poure Davoud Memorial Volume II*, Bombay 1951, p. 189-204.
- Kreyenbroek, P.G., "The Introduction to the Dādestān ī Dēnīg", *Au carrefour des religions mélanges offerts à Philippe Gignoux, Res Orientales VII*, R. Gyselen (ed.), Buressur-Yvette: G.E.C.M.O. 1995, p. 171-176.
- Macuch, M., "Pahlavi Literature", *A History of Persian Literature* vol. XVII, The Literature of Pre-Islamic Iran, R. E. Emmerick and M. Macuch (eds.), I. B. Tauris., London 2009, p. 116-190.
- MacKenzie, D. N., *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford university press, London 1971.
- Shaki, M., "Dādestān ī Dīnīg", *Encyclopaedia Iranica VI*, E. Yarshater (ed.), Routledge Kegan poul, California 1993.
- West, E.W., "Pahlavi Literature", *Grundriss der iranischen Philologie*, vol. 2, W. Geiger and E. Kuhn (eds.), Verlag von karl j. Trübner, Strassburg 1896-1904, p. 75-129.

داتا گسته نامیه  
THE DÂTISTÂN-I DÎNĪK.

INTRODUCTION.

داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه  
داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه  
داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه

داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه  
داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه  
داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه

داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه 1  
داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه  
داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه 2

داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه 3  
داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه داتا گسته نامیه

1 II, J<sub>2</sub>, DF om. this heading— 2 TD داتا گسته نامیه; BK داتا گسته نامیه.— 3 BK  
داتا گسته نامیه; TD داتا گسته نامیه.— 4 J<sub>2</sub> omits.— 5 All but TD داتا گسته نامیه.— 6 BK  
داتا گسته نامیه.— 7 All but TD, BK داتا گسته نامیه.— 8 BK داتا گسته نامیه.— 9 Thus TD; others  
داتا گسته نامیه.— 10 II repeats.— 11 J<sub>2</sub> داتا گسته نامیه; TD داتا گسته نامیه; BK داتا گسته نامیه  
داتا گسته نامیه.— 12 TD داتا گسته نامیه; J<sub>1</sub> داتا گسته نامیه; J<sub>2</sub>, II, DF داتا گسته نامیه;  
BK داتا گسته نامیه.— 13 J<sub>1</sub>, DF داتا گسته نامیه; see notes 98, 101, 172.— 14 TD, BK omit.

DASTĀN-I DINĪK.

۳  
 ...  
 ...  
 ...

- ۴ (۳) ...
- ۵ ...
- ۶ ...

۶ ...

15 BK ... — 16 TD ... — 17 TD ... — 18 BK, K<sub>2</sub> ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...

INTRODUCTION §§ 4-9.

3

...  
... 7 (5) ...

... 7 ...

... 8 ...

... 8 ...

... 7 ...

... 9 ...

... 9 (8) ...

...  
...  
...

15 TD ...  
... 46 TD adds ...  
... 47 TD ...  
... 48 DF omits ...  
... 49 TD ...  
... 50 All ...  
... 51 TD adds ...  
... 52 TD ...  
... 53 BK, DF ...  
... 54 TD, BK, K ...  
... 55 J ...  
... 56 All but TD ...  
... 57 TD omits ...  
... 58 TD ...  
... 59 DF ...  
... 60 TD ...  
... 61 TD ...  
... 62 TD ...  
... 63 TD omits ...  
... 64 TD ...  
... 65 TD, BK ...  
... 66 TD ...  
... 67 TD omits ...  
... 68 BK, K ...  
... 69-70 TD omits ...  
... 71 BK, K ...  
... 72 TD omits ...  
... 73 BK, TD ...



INTRODUCTION §§ 10-15.

5

۱۴۲۱-۲۰ ۰ ۵۶ ۴ (14) ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰  
۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰  
۰ ۵۶ ۴ ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰

13 13 (15) ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰

۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰  
۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰

14 14 (16) ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰

۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰  
۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰

15 15 (17) ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰

۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰  
۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰  
۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰  
۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰ ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰

96 J<sub>2</sub>, DF ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰; BK, K<sub>33</sub> ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 97 All but TD ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰. Even in TD  
۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰ is written peculiarly here as well as in ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰ above on p. 4. l. 15.— 98 TD  
۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰; others ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰; see notes 191, 172.— 99 II, DF ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 100 TD  
۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 101 II ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰; see notes 13, 98, 172.— 102 All but TD, K<sub>33</sub> ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.—  
103 BK ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 104 TD, DF ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 105 TD, K<sub>33</sub> ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰; BK,  
DF ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 106 All but TD ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 107 All ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 108  
Thus TD; others ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 109 BK, K<sub>33</sub> ۱۲۱-۲۰۲۰۲۰۲۰.— 110 J<sub>2</sub> omits.

DASTAN-Ī DĪNĪK.

- 6  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱

111 TD ... — 112 DF adds ... — 113 DF omits. — 114 TD ... DF ... — 115 J<sub>1</sub>, DF, BK, K<sub>22</sub> ... — 116 TD, ... — 117 BK ...; see note 97. — 118 TD ... — 119 K<sub>22</sub>, BK ... — 120 DF ... — 121 K<sub>22</sub>, BK ... — 122 TD, BK ... — 123 DF ... — 124 DF omits. — 125 TD ... — 126 TD ... — 127 BK ... — 128 BK ... — 129 TD ... — 130 TD, DF om.; II, J<sub>1</sub>, J<sub>2</sub> ... — 131-132 J<sub>1</sub>, II om. — 133 TD ... — 134 Thus TD; BK ...; others ... — 135 BK, TD ... — 136 BK ... — 137 J<sub>1</sub>, J<sub>2</sub>, II om. — 138 All but TD ...



INTRODUCTION §§ 16-21.

7

۱۳۹ TD omits. — ۱۴۰ BK ۳; see notes ۹۷, ۱۱۷. — ۱۴۱ Thus all for ۱۳۸-۱۳۹. —  
 ۱۴۲ TD ۱۳۸ ۳; BK ۱۳۸ ۳. — ۱۴۳ All but TD om. — ۱۴۴ All ۱۳۸ ۳. — ۱۴۵  
 Taus TD; others ۱۳۸ ۳. — ۱۴۶ TD ۱۳۸ ۳. — ۱۴۷ All but TD ۱۳۸ ۳. — ۱۴۸ TD  
 ۱۳۸ ۳. — ۱۴۹ TD ۱۳۸ ۳. — ۱۵۰ BK ۱۳۸ ۳; DF ۱۳۸ ۳. — ۱۵۱ DF  
 ۱۳۸ ۳. — ۱۵۲ TD ۱۳۸ ۳; H. BK, K<sub>۳</sub>, ۱۳۸ ۳. — ۱۵۳ K<sub>۳</sub>, BK ۱۳۸ ۳. —  
 ۱۵۴ J<sub>۲</sub>, H ۱۳۸ ۳. — ۱۵۵ J<sub>۱</sub>, ۱۳۸ ۳; DF ۱۳۸ ۳; BK ۱۳۸ ۳. — ۱۵۶ TD  
 ۱۳۸ ۳. — ۱۵۷ TD, BK, K<sub>۳</sub>, ۱۳۸ ۳. — ۱۵۸ TD, BK ۱۳۸ ۳. — ۱۵۹ TD  
 ۱۳۸ ۳. — ۱۶۰ Thus all; for ۱۳۸ ۳. — ۱۶۱ TD, BK, K<sub>۳</sub> om. — ۱۶۲ Thus all; for  
 ۱۳۸ ۳. — ۱۶۳ All but BK add ۱۳۸ ۳. — ۱۶۴ TD omits ۱۳۸ ۳.



8

DĀTISTĀN-Ī DĪNĪK.

سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
: سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان

25 سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
: سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان

26 سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
: سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان

27 سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
: سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان

28 سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
: سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان  
سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان سپهبدان

165 TD ۱۲. — 166 TD سپهبدان. — 167 TD سپهبدان. — 168 BK, K<sub>ss</sub>,  
All. — 169 All سپهبدان. — 170 J, سپهبدان. — 171 Thus TD: others سپهبدان. —  
172 TD سپهبدان; K<sub>ss</sub>, BK, DF سپهبدان. — 173 All سپهبدان; see notes  
in 98, 101. — 174 Thus TD, DF: others سپهبدان. — 175 BK سپهبدان. — 176 All but  
TD om. — 177 DF سپهبدان. — 178 DF سپهبدان. — 179 Thus TD: others سپهبدان.  
180 TD ۳۵. — 181 BK omits. — 182 TD سپهبدان.